

ویژه نامه عید تا عید (قربان تا غدیر) - آبان ماه ۱۳۹۰



پهن دشت عرفات
جلوه گاهی است که در
آینه‌اش
چهره‌ی روشن وحدت پیدا است
همه در زیر یکی سقف بلند
به مناجات و عبادت مشغول
اشک بر دیده و با بار گناهی
بردوش
همه در راز و نیاز،
جامه ای ساده و یکسان بر
تن.

منابع:

پایگاه اینترنتی شرح واقعه غدیر خم

WWW.GHADIREKHOM.COM

پایگاه اینترنتی حوزه علمیه قم

WWW.HAWZEH.NET

سایت موسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان

WWW.TEBYAN.NET

سایت نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در
دانشگاه ها

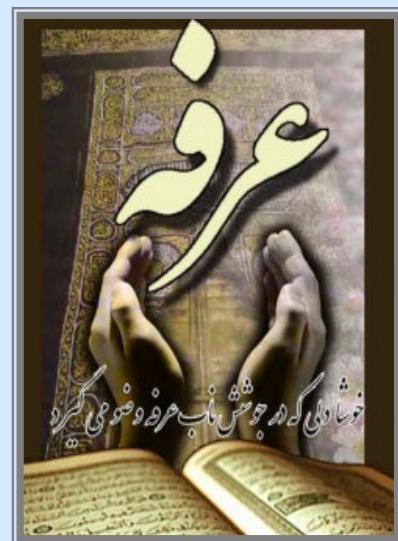
WWW.NAHAD.IR

عید قربان پاک ترین عیدها است. عید سر سپردگی و بندگی ست. عید بر آمدن انسانی نو
از خاکسترهای خویشتن خویش است. عید قربان عید بر آمدن روزی نو و انسانی نو است.
عید قربان، عید ذبح میوه ی دل ابراهیم و ایثار سبز اسماعیل، عید بر آمدن انسانی نو از
خویشتن خویش، عید رهیدگی از اسارت نفس، عید لبیک به دعوت حق .
عید قربان، جشن رهایی از اسارت نفس و شکوفایی ایمان و یقین، عید سرسپردگی و بندگی
عید نزدیک شدن دلها به قرب الهی .
روز اوج بندگی و تجلی ایثار ابراهیمی .
عید سعید قربان، جشن تقرب عاشقان حق .

عید قربان، پر شکوهترین ایثار و زیباترین جلوه ی تعبد در برابر خالق یکتا .

عید قربان که پس از وقوف در عرفات و مشعر و منا فرا می رسد، عید رهایی از تعلقات
است. رهایی از هر آنچه غیرخدایی است. در این روز، اسماعیل وجود را، یعنی هر آنچه
بدان دلبستگی دنیوی پیدا کردیم قربانی کنیم تا سبکبال شویم.
زندگی تان به زیبایی گلستان ابراهیم و پاکی چشمه زمزم.

آنگاه که ابراهیم، اسماعیل را به قربانگاه عشق برد این ذات اقدس الهی بود که جلوه گر
شد. این عشق آموختنی است.



در بهار فرصت عمر، روزها و شبهایی است به زیبایی «لیلہ القدر»؛ بهتر از هزار روز و هزار شب، روزها و شبهایی که جاودانه‌اند و پلکان جاودانگی‌اند؛ پرشور و پرنور و پرفیض و پربرکت. چشمه‌ی نور و صفا از بستر وجود آن می‌جوشد. روزها و شبهایی که می‌توان با خواندن نغمه‌ی «معرفت»، شهد «عبودیت» را چشید، و «عرفه» از آن روزهاست.

روزی که اکسیر لطف الهی، دل‌های زنگار گرفته از گرد و غبار عصیان و غفلت را، زندگی می‌بخشد.

«عرفه»، روز معرفت است، روز جاودانگی و ابدیت، روز عشق و فرزاندگی.

روزی که غبار عصیان و افسار گسیختگی، از قلبها زدوده می‌شود؛ روزی که هنگامه‌ی حضور و شوق «توبه» است. «عرفه»، روزی است که ملایک در عرفات، سبد سبد گلوآژه‌های رحمت الهی و طبق طبق شیرینی اجابت در دست، می‌رسند.

«روز عرفه»، روز عشق است و مهربانی؛ روز بهار فرصت‌ها و هنگام رویش گلستان «رحمت» است.

«عرفه» نگین انگشتی ذی‌حجه است، نغمه‌ی زیبای شکفتن در باغ صفا و مروه، شعر مشعر دل، صفای «صفا دلان»، مروّت «مروه پویان» و زمزمه‌ی «زمزم نوشان» است.

«عرفه»، روز اشک است و ناله. «عرفات»، سرزمین اشک‌ها، سرزمین عشق، سرزمین میعاد، سرزمین نور و سرور، سرزمین تقوا و توبه و سرزمین درد و درمان است. از گوشه گوشه‌ی این دشت، ندای «لَبَّيْكَ، اَللّٰهُمَّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ...» به عرش برین می‌رسد.

«عرفه»، روز حسین علیه‌السلام است و حسینی شدن؛ دل بر حسین علیه‌السلام سپردن و هم نوا با حسین علیه‌السلام خواندن.

«عرفه»، روز دعاست و دعا، قرارگاه اجابت در درگاه رحمت پروردگار حسین علیه‌السلام.

«عرفه»، روز خداست و خدایی شدن. در عرفه، می‌توان دستان رحمت خدا را بر سربندگان حس کرد. حجتش بی‌پرده نمایان است و رحمتش بی‌کران.

«عرفه»، روز شکستن بت‌های درون است روز بریدن از خاك و پیوند با افلاك....



عید قربان که پس از وقوف در عرفات (مرحله شناخت) و مشعر (محل آگاهی و شعور) و منا (سرزمین آرزوها، رسیدن به عشق) فرامی رسد، عید رهایی از تعلقات است. رهایی از هر آنچه غیرخدایی است. در این روز حجگزار، اسماعیل وجودش را، یعنی هر آنچه بدان دلبستگی دنیوی پیدا کرده قربانی می کند تا سبکبال شود.

و اکنون در منایی ابراهیمی، و اسماعیلیت را به قربانگاه آورده ای، اسماعیل تو کیست؟ چیست؟ مقامت؟ آبرویت؟ موقعیتت، شغلت؟ پولت؟ خانه ات؟ املاکت؟ ... ؟

این را تو خود میدانی، تو خود آن را، او را — هر چه هست و هر که هست — باید به منا آوری و برای قربانی، انتخاب کنی، من فقط می توانم نشانی هایش را به تو بدهم:

آنچه تو را، در راه ایمان ضعیف می کند، آنچه تو را در رفتن، به ماندن میخواند، آنچه تو را، در راه مسئولیت به تردید می افکند، آنچه تو را به خود بسته است و نگه داشته است، آنچه دلبستگی اش نمی گذارد تا پیام را بشنوی، تا حقیقت را اعتراف کنی، آنچه تو را به فرار می خواند، آنچه تو را به توجیه و تاویل های مصلحت جویانه می کشاند، و عشق به او، کور و کورت می کند ابراهیمی و ضعف اسماعیلی ات، تو را بازیچه ابلیس می سازد. در قله بلندشرفی و سراپا فخر و فضیلت، در زندگی ات تنها یک چیز هست که برای بدست آوردنش، از بلندی فرود می آیی، برای از دست ندادنش، همه دستاوردهای ابراهیم وارث را از دست میدهی، او اسماعیل توست، اسماعیل تو ممکن است یک شخص باشد، یا یک شیء، یا یک حالت، یک وضع، و حتی، یک نقطه ضعف!

ذبح نفس

بخواهیم یا نخواهیم حرکتها و گذشت زمانه از ما می کاهد و زمین ما را به گند می رساند، مگر این که خودمان را قبل از این که زمان بگیرد، ذبح کنیم.

ما در این هستی، خواه، ناخواه مرداریم، مگر این که کاردی را به گلوها بگذاریم و ذبح کنیم. مهم این است که ذبیح چه کسی باشیم و مذبح در راه چه کسی؟ و با چه چیزی خودمان را ذبح کنیم و رو به چه قبله ای؟ مرگ، قطعی است.

از دست رفتن، قطعی است.

روزها که می گذرند، طناب عمر ما را فرسوده می کنند

گذشت زمانه، ما را به خاک بر می گرداند، مگر این که قبلاً خودمان را بقایی داده باشیم و ذبح کرده باشیم. آنهایی که ذبیح نیستند، مذبوح نیستند، مرده هستند. ارزش ندارند. از دست رفته هستند. حالا که بنا شده ذبح کنیم؛ بنا شده قبل از این که زمانه ما را بگیرد ما از خودمان بهره بگیریم، به این باید فکر کرد که در راه چه کسی خودمان را ذبح کنیم و با چه حربه‌ای و با چه نیتی؟ مؤمن مادامی که رشته‌ها را از غیر حق نبرد، به حیات نمی‌رسد. زنده نمی‌شود. ممکن است رشد و نمو سلول‌ها را داشته باشد، همانطوری که شمعدانی‌ها رشد می‌کنند؛ ممکن است که عاطفه‌ها و نفس کشیدن‌ها را داشته باشد، همانطور که بزغاله‌ها نفس می‌کشند؛ ولی انسان نیست و حیات ندارد. مردار است. و مردار، سنگ است.

اعمال روز عید قربان

روز دهم ذیحجه، روز عید قربان است و بسیار روز شریفی است و اعمال آن چند چیز است:

غسل. که در این روز سنت مؤکد است و بعضی از علماء واجب دانسته‌اند.

اقامه نماز عید قربان، به همان نحو که در عید فطر ذکر شده است. اما در این روز مستحب است که بعد از نماز، با گوشت قربانی افطار شود.

خواندن دعاهائی که وارد شده پیش از نماز عید و بعد از آن و در اقبال ذکر شده و شاید بهترین دعاهاى این روز، دعای چهل و هشتم صحیفه سجادیه باشد که اوّل آن «اللّهُمَّ هَذَا يَوْمٌ مُّبَارَكٌ» است .

خواندن دعای چهل و ششم صحیفه سجادیه که اینگونه آغاز می‌شود: «یا مَنْ یَرْحَمُ مَنْ لَا یَرْحَمُهُ الْعِبَادُ». خواندن دعای ندبه .

قربانی کردن؛ که سنت مؤکد است.

خواندن تکبیرات : تکبیرات بنا بر روایت صحیح در اصول کافی از این قرار است:

اللّهُ أَكْبَرُ اللّهُ أَكْبَرُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ وَلِلّهِ الْحَمْدُ اللَّهُ كَبَرُ عَلَى مَا هَدَانَا اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا رَزَقَنَا مِنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ وَالْحَمْدُ لِلّهِ عَلَى مَا أَبْلَانَا .

خدا بزرگتر از توصیف است، معبودی جز خدا نیست و خدا بزرگتر است، و ستایش خاص خدا است.

خدا بزرگتر است بر آنچه ما را راهنمائی کرد خدا بزرگتر است بر آنچه روزی ما کرد از چهارپایان انعام و ستایش خاص خدا است برای آنکه آزمود ما را.

این همه شکوه و عظمت برای این روز بزرگ، چرا؟



از نظر آفریدگار هستی اهمیت این روز بزرگ به خاطر آن است که در این روز سرنوشت ساز به فرمان او، پیام آورش مدال شکوه و افتخار پیشوایی و رهبری راستین را بر سینه علی(ع) نشانند و تاج معنوی خلافت را بر سر سرفراز او نهاد و او را به عنوان امیر و امام و سر رشته دار دین و دنیای مردم برگزید و به همین منظور فرشته وحی با پیام او به پیام آورش فرود آمد و ضمن تسلیم گرم ترین تبریک و تهنیت خدا به پیامبر و مردم توحیدگرا این آیه را آورد که: هان ای مردم، امروز دین شما را برایتان کامل و نعمت خویشتن را بر شما تمام گردانیدم و اسلام را برای شما به عنوان آیین جاودانه برگزیدم....

دیدگاه پیامبر....

از نظر پیامبر اهمیت این روز پر شکوه تا آنجایی است که: «حافظ ابو سعید» در کتاب خویش، «شرف المصطفی» از «احمد بن حنبل» و از «ابو سعید خدری» آورده است که: «آن پیشوای بزرگ در روز عید غدیر می فرمود: هان ای مردم، اینک به من تبریک بگویید، چرا که خدای پر مهر در این روز بزرگ، هم نعمت بزرگ رسالت را به من ارزانی داشت و هم مقام والای امامت راستین را به خاندانم.

و درست در این راستا بود که یاران پیامبر، از جمله «عمر» و «ابوبکر» پیش آمدند و به امیر والایی ها تبریک گفتند و تصریح کردند که: خوشا به حالت، چقدر پر شکوه و زیباست برایت ای علی! هان ای امیر مؤمنان! گوارا باد که اینک مولا و سر رشته دار ما و هر زن و مرد توحیدگرا و با ایمانی شده ای و خدا و پیامبرش تو را به این مقام بلند و پر شکوه برگزیده اند.....»

از ششمین امام نور آورده اند که پیامبر در اهمیت این روز بزرگ فرمود:

روز پر شکوه «غدیر» از برترین عیدهای مذهبی برای جامعه و امت من است، چرا که در این روز پر برکت بود که خدا به من فرمان داد تا برادرم علی(ع) را به رهبری راستین امت خویش برگزینم و به مردم روشنگری کنم که پس از من از او پیروی نمایند. و نیز در این روز بود که خدای فرزانه دین خود را کامل و نعمت خویش را بر امت من تمام گردانید و خشنود گردید که دین آنان اسلام باشد و خودشان مسلمان واقعی.

خطبه غدیر در ۲۵ نکته

سخنرانی تاریخی پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم در غدیر که حدود یک ساعت طول کشید در یازده بخش ترسیم شدنی است:

۱. حمد و ثنای الهی؛
۲. فرمان الهی برای اعلام ولایت؛
۳. اعلام رسمی ولایت و امامت دوازده امام علیهم السلام؛
۴. معرفی و بلند کردن دست امیرالمؤمنین علیه السلام توسط پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم؛
۵. تأکید بر توجه امت به مسئله امامت؛
۶. اشاره به کارشکنی های منافقان؛
۷. پیروان اهل بیت علیهم السلام و دشمنان ایشان؛
۸. حضرت مهدی عجل الله فرجه؛
۹. مطرح کردن بیعت؛
۱۰. حلال و حرام، واجبات و محرمات؛
۱۱. بیعت گرفتن رسمی.

تعیین موضوع خطابه غدیر از آغاز

۱۲. پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم در همان آغاز خطبه فرمودند: فرمان قاطعی از طرف خداوند آمده که مطلب مهمی درباره علی بن ابی طالب علیه السلام بیان کنم، که اگر نگوییم رسالت الهی را نرسانده ام و از عقاب خداوند ترسانم.

هم چنین تصریح کردند که هر چه از خداوند خواستم به علت فتنه منافقان و دشمنان مرا از ابلاغ این مهم معذور بدارد، پذیرفته نشد. سپس اشاره کردند که این دستور خاص الهی درباره امامت و ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام است.

یادآوری دو نکته پس از اعلام ولایت

۱۳. پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم پس از اعلام ولایت فرمودند: اَللّٰهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَ عَادِ مَنْ عَادَاهُ...؛ خدایا دوست بدار هرکس او را دوست بدارد و دشمن بدار هرکس او را دشمن بدارد و یاری کن هرکس او را یاری کند و خوار کن هرکس او را خوار کند».

۱۴. سپس نزول آیه اکمال را درباره روز غدیر اعلام کردند: «اَلْیَوْمَ اَکْمَلْتُ لَکُمْ دِیْنَکُمْ وَ اَتَمَمْتُ عَلَیْکُمْ نِعْمَتِیْ وَ رَضِیْتُ لَکُمُ الْاِسْلَامَ دِیْنًا»؛ امروز دین شما را کامل کردم و نعمت را برای شما به حد کمال رساندم و اسلام را دین شما پذیرفتم. و خداوند را بر ابلاغ این رسالت شاهد گرفتند.

در خطبه غدیر پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم نگرانی خود را از آینده مسلمانان در سه جمله ابراز کردند:

۱۵. مبدا بعد از من به عقب برگردید؛

۱۶. مبدا در مسلمان بودن خود، بر خدا منت بگذارید که خدا مواظب شماست؛

۱۷. بدانید که بعد از من رهبران گمراهی، پدیدار می شوند که مردم را به سوی جهنم می کشانند. من از آنان بیزارم و همه آنان در جهنم خواهند بود.

غدیر و حضرت مهدی علیه السلام

در اواسط خطبه حضرت مطالبی درباره حضرت بقیة الله الاعظم حجة بن الحسن المهدی ارواحنا فداه بیان فرمودند، و به اوصاف و جنبه های مخصوص حضرت اشاره کردند که خلاصه آن چنین است:

۱۸. او آخرین امامان است که حجتی بعد از او نیست؛

۱۹. او بر همه قبایل شرک و کفر چیره خواهد شد، و هدایت کننده آنان است؛

۲۰. او انتقام گیرنده همه خون های به ناحق ریخته اولیای خدا و منتقم از ظالمان است؛

۲۱. او تعیین کننده دقیق درجات افراد در فضیلت و در جهل و جهالت است؛

۲۲. او وارث جمیع علوم است؛

۲۳. همه پیشینیان درباره او بشارت داده اند؛

۲۴. هیچ کس بر او غالب نمی شود و هیچ کس علیه او یاری نمی شود.

دعوت به بیعت

۲۵. پیامبر (ص) اشاره فرمودند که من، بعد از اتمام خطبه شما را به بیعت با خود و سپس بیعت با علی بن ابی طالب دعوت میکنم.